

تنزل یک پایه قضایی به خاطر رسیدگی به شکایت متقابل بدون ارجاع و صدور رای بدون اخذ آخرین دفاع

دادنامه شماره ۲۴۶ ۲۴۴ ۸۵/۶/۱۱ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات؛ «تخلف انتظامی به لحاظ عدم رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶».

گردشکار: دادستان انتظامی قضات طبق کیفرخواست‌های شماره ... صادره در پرونده کلاسه ... انتظامی بر اساس نظریه آقای ... دادیار که به تأیید آقای ... معاون آن دادسرا رسیده، آقایان ۱- ... مستشار وقت دادگاه تجدیدنظر تهران ۲- ... رئیس وقت شعبه ... دادگاه تجدیدنظر تهران ۳- ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران را در رسیدگی به پرونده کلاسه ... متخلف اعلام و به استناد ماده ۲۰ نظامنامه مجازات آنان را تقاضا کرده است.

آقای ... دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پرونده چنین اظهارنظر نموده است: نظر به اینکه مستاجر پس از ابلاغ اظهارنامه‌های موجر در خارج از فرجه قانونی اقدام به پرداخت اجور معوقه به اضافه ۲۰ درصد آن نموده تخلف وی ظرف یک سال به علت سه بار تأخیر در پرداخت اجاره‌ها محرز شده و موضوع با تبصره یک بند ۹ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستاجر انطباق دارد نه با مقررات ذیل بند مزبور که منحصرنا ناظر بر یک بار تأخیر در پرداخت اجاره‌ها می‌باشد.

بنابراین رئیس دادگاه بدوی در صدور دادنامه شماره ... و قضات تجدیدنظر در اصدار دادنامه شماره ... بر خلاف قوانین موضوعه رفتار کرده‌اند.

پس از ابلاغ کیفرخواست‌ها، لوابیح دفاعیه قضات مزبور واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد گردید.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و لوابیح دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی

قضات مبنی بر (اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی...) با انجام شور به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید:

رای دادگاه

با عنایت به مقررات تبصره یک ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶ و انطباق مورد با مقررات مذکور، رای صادره از سوی قاضی دادگاه بدوی دایر بر صدور قرار عدم استماع دعوی تخلیه و نقض دادنامه بعدی دادگاه مرقوم دایر بر تخلیه عین مستاجر در دادگاه تجدیدنظر و صدور قرار رد دعوی مطروحه به ترتیب منعکس در گزارش مبنای کیفرخواست‌های انتظامی تخلف است و دفاع قضات امر موثر تشخیص داده نشد.

بنا به مراتب هر یک از آقایان ... رئیس وقت ... و مستشار شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران و ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران را به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات به کسر عشر حقوق، ماهیانه به مدت دو ماه محکوم می‌نماید. رای صادره قطعی است.

دادنامه شماره ۲۲۲ ۸۵/۶/۱۳ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «تخلف انتظامی به لحاظ صدور حکم بدون احرار ابلاغ وقت به خواننده و...»

گردشکار: بر اثر شکایت انتظامی آقای «ح ش» در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۳۰ از آقای ... رئیس محترم شعبه ... دادگاه خانواده تهران در رسیدگی به پرونده‌های کلاسه ... گزارش و نظریه مورخ ۱۳۸۴/۶/۶ جناب آقای ... دادیار محترم دادسرای انتظامی قضات حاکمیت: اولاً: خواهان دعوی ملاقات طفل (خانم س ض) یک روز قبل از وقت رسیدگی دادخواست دیگری به خواسته «حضانت» تقدیم دادگاه نموده و دادرس دادگاه جناب آقای ... بدون ابلاغ و اعلام خواسته اخیر به خواننده

(آقای ح ش) و یا حضور وی در جلسه مبادرت به رسیدگی و در نهایت صدور حکم نموده و در رای صادره قید نموده دعوی خواهان (دعوی حضانت) مصون از هرگونه ایراد و دفاع خواننده باقی مانده است در حالی که خواننده مطلع از دعوی فوق‌الذکر نشده و دفاعی هم به عمل نیاورده است. ثانیاً: در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۷ خانم «س ض» دادخواستی به خواسته مطالبه نفقه به مبلغ پنج میلیون ریال در هر ماه به طرفیت زوج مطرح نموده که وقت رسیدگی ۱۳۸۳/۶/۲ تعیین گردیده و علیرغم اینکه احضاریه خواننده اعاده نشده و ضمیمه پرونده نمی‌باشد و حسب محتویات پرونده اصلاً جلسه‌ای تشکیل نگردیده که حضور طرفین در آن قید گردد و یا میزان نفقه تعیین شده به دادگاه بدون تنظیم صورتجلسه مربوط به وقت رسیدگی طی دادنامه شماره ...

زوج را به پرداخت نفقه از قرار ماهیانه یک میلیون و پانصد هزار ریال از تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۷ تا زمان صدور حکم محکوم نموده و رای را هم حضوری و قطعی اعلام داشته در حالی که به لحاظ عدم حضور خواننده و عدم ارسال لایحه و ابلاغ آن به نحو واقعی رای حضوری و قطعی نبوده و دادگاه در خصوص استحقاق خواهان (زوجه) به دریافت نفقه تحقیقی انجام نداده است و میزان نفقه تعیین شده توسط دادگاه قبل از صدور رای به طرفین ابلاغ نگردیده و در پایان دادیار محترم به تخلفات قاضی رسیدگی کننده مبنی بر مسامحه در انجام وظیفه قانونی و اقدام برخلاف قوانین موضوعه اشاره نموده و به استناد مادتين ۲۰ و ۱۴ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات از دادگاه انتظامی تقاضای تعقیب انتظامی و تعیین مجازات را نموده است جناب آقای ... معاون محترم دادستان انتظامی قضات در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۵ نظریه آقای ... را تأیید نموده است متعاقباً جناب آقای معاون اول محترم دادسرای انتظامی قضات در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۲۶

نظریه آقایان ... و ... را تایید نموده است. دادستان محترم انتظامی جناب آقای ... طی کیفرخواست شماره ... از دادگاه انتظامی برای آقای ... درخواست کیفر نموده است که پرونده امر پس از ارسال به دادگاه انتظامی به شعبه ... ارجاع تحت کلاسسه ... در جریان رسیدگی قرار گرفته است. کیفرخواست به قاضی مشتکی عنه ابلاغ نامبرده طی لایحه شماره ... مدافعات خود را به دادگاه اعلام داشته است.

اینک شعبه ... دادگاه انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش امر لایحه دفاعیه قرائت با کسب عقیده نماینده محترم دادستان مبنی بر اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی و مشاوره چنین مبادرت به صدور رای می شود.

رای دادگاه

در خصوص کیفرخواست شماره ... دادرسی انتظامی قضات علیه آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه خانواده تهران مبنی بر تخلف عدم رعایت مقررات قانونی و مسامحه در رسیدگی به پرونده های

کلاسسه ... که دادگاه با تدقیق در محتویات پرونده بر اساس گزارش مبنای کیفرخواست انتظامی دایر بر اینکه در دعوی حضانت حکم بدون اعلام خواسته دعوی به خوانده و تشکیل جلسه دادرسی و عدم امکان دفاع به خوانده صادر گردیده و در دعوی مطالبه نفقه در جلسه دادرسی غیرقانونی به دعوی رسیدگی شده و نفقه زوج به بلون در نظر گرفتن ضوابط قانونی و اصولی تعیین گردیده و محکومیت قطعی زوج با اعلام جلسه دادرسی حضوری علیرغم عدم حضور خوانده (محکوم علیه) و عدم ارسال لایحه دفاعیه

صورت گرفته و اینکه مدافعات قاضی مشتکی عنه به شرح لایحه دفاعیه توجیه قانونی ندارد و موثر در مقام نیست بنا به مراتب تخلف انتظامی آقای ... مبنی بر عدم رعایت قوانین در رسیدگی به پرونده های مارالذکر محرز است دادگاه به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات مشارالیه را به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت دو ماه محکوم می نماید و در خصوص درخواست اعمال ماده ۲۵ نظامنامه که در کیفرخواست آمده است با توجه به تاریخ سابقه منعکس در کاردکس ثبت مشخصات تقاضا وارد نیست و مردود اعلام می شود رای صادره قطعی است.

دادنامه شماره ۲۳۰ ۸۵/۶/۱۱ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «رد تخلف انتظامی نسبت به قاضی مشتکی عنه و صدور رای برائت وی».

موضوع رسیدگی: کیفرخواست شماره ... دادرسی انتظامی قضات مبنی بر اعلام تخلف آقای ... دادیار شعبه ... اجرای احکام دادرسی

عمومی و انقلاب کرج جریان امر: آقای ... دادیار انتظامی در خصوص شکوائیه انتظامی شرکت ... از نحوه رسیدگی به پرونده کلاسسه ... نیابت قضائی دادگاه عمومی طالقان پس از مطالبه و ملاحظه پرونده امر جریان آن را به شرح زیر اعلام داشته است. به موجب دادنامه ... دادگاه عمومی طالقان متهم پرونده امر به اتهام صدور چک بی محل غیابا به حبس و جزای نقدی محکوم و نیابت قضائی جهت اجرای حکم به دادگستری کرج صادر و ارسال و به شعبه ... اجرای احکام ارجاع و حکم جلب محکوم علیه صادر و در تاریخ ۸۲/۸/۱۳ نامبرده دستگیر و تحویل اجرای احکام شده و طی شرحی اعلام داشته که چک به صورت امانت در اختیار شرکت شاکی بوده تقاضای رسیدگی مجدد کرده است آقای ...

در ظهر ورقه مرقوم داشته دفتر پرونده جهت اصلاح دادنامه به مرجع معطی نیابت با توجه به قانون جدید چک اعاده گردد و به کلاتری نامه ارسال داشته که از جلب متهم خودداری شود. پرونده را به دادگاه

دادنامه غیابی بر محکومیت متهم پرونده به اتهام صدور چک بی محل قبل از تاریخ تصویب قانون جدید صدور چک صادر و مشمول مقررات ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی از لحاظ رعایت اعمال قانون لاحق اخف بود دستور توقف اجرای حکم را می دهد

طالقان برگردانیده تکلیف محکوم علیه مجلوب مشخص نشده است و ... در تاریخ ۸۳/۶/۲۱ دادگاه طالقان تشکیل جلسه داده نسبت به واخواهی محکوم علیه رسیدگی و طی دادنامه شماره ۹۱۴ ۸۳/۶/۲۱ محکومیت زندان را تایید و جزای نقدی را نقض و ممنوعیت دو سال از داشتن دسته چک را اضافه نموده است.

آقای دادیار در پایان گزارش چنین اظهارنظر می نماید: «آقای ... دادیار شعبه ... اجرای احکام دادرسی عمومی و انقلاب کرج که مکلف بود نیابت قضائی دادگاه عمومی طالقان را اجراء و محکوم علیه را تحت الحفظ اعزام نماید که نکرده عجیب اینکه قاضی نامبرده حکم جلب صادر کرده ولی پس از دستگیری متهم ضمن عدم تحویل و اقدام قانونی به کلاتری نوشته از جلب وی خودداری شود و برگ جلب را به خود مجلوب تحویل و آزادش کرده است و از تاریخ ۸۲/۸/۱۳ محکوم علیه متواری و موجب تضییع حقوق شاکی گردیده قوانین موضوعه را رعایت نکرده به استناد صدر ماده ۲۰

نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به تعقیب انتظامی ایشان اظهارنظر می شود. با نظریه فوق موافقت شده به شرح کیفرخواست انتظامی شماره بالا و به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات تقاضای مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه انتظامی گردیده است.

پس از ابلاغ کیفرخواست از ناحیه ایشان لایحه دفاعیه واصل شده که هنگام شور قرائت می شود. اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش امر و لایحه دفاعیه با کسب عقیده معاون محترم دادرسی انتظامی قضات مبنی بر اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی و انجام مشاوره به شرح آتی رای صادر می نماید. رای دادگاه

با توجه به دفاع قاضی امر اجمالا مبنی بر اینکه دادنامه غیابی بر محکومیت متهم پرونده به اتهام صدور چک بی محل قبل از تاریخ تصویب قانون جدید صدور چک صادر و مشمول مقررات ماده

۱۱ قانون مجازات اسلامی از لحاظ رعایت اعمال قانون لاحق اخف بود دستور توقف اجرای حکم را می دهد ایراد به عملکرد ایشان به کیفیت مطروحه در گزارش مبنای کیفرخواست انتظامی وارد نیست. بنا به مراتب ضمن رد کیفرخواست شماره ... دادرسی انتظامی قضات رای بر برائت آقای ... دادیار شعبه ... اجرای احکام دادرسی عمومی و انقلاب کرج صادر و اعلام می گردد.

دادنامه شماره ۲۵۴ ۸۵/۶/۱۳ شعبه

... دادگاه عالی انتظامی قضات: «تنزل یک

پایه قضائی به خاطر رسیدگی به شکایت متقابل بدون ارجاع و صدور رای بدون اخذ آخرین دفاع» گردشکار: معاون اول دادرسی انتظامی قضات طبق کیفرخواست شماره ... صادره در پرونده کلاسسه ... انتظامی بر اساس نظریه آقای ... دادیار که به تایید آقای ... معاون آن دادرسی رسیده، آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران را در رسیدگی به پرونده کلاسسه ... متخلف اعلام و به استناد قسمت دوم ماده ۲۰ با رعایت ماده ۲۵ نظامنامه مجازات او را تقاضا کرده است.

آقای ... دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پرونده چنین اظهارنظر نموده است: ۱- رئیس دادگاه به شکایت شاکی دایر بر افترا و تهدید و تخریب و مزاحمت و ممانعت از استفاده از مشاعات هیچ گونه رسیدگی نکرده و از مفاد ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری تخلف کرده است.

۲- با وجودی که مشتکی عنه «ا م» شکایتی علیه شاکی «ی ب» مطرح نکرده است وی را شاکی و شاکی را متهم قلمداد و به شاکی اتهام نشر اکاذیب

و افترا را تفهیم نموده است. در حالی که مشتکی عنه در برگ تحقیق (۸۱/۱۰/۲۸) به نحو مشروط چنین اظهار کرده «چنانچه آقای «ب» نتواند ادعای خویش را ثابت کند اینجانب و خانواده از ایشان ادعای حیثیت می‌نمایم.» رئیس دادگاه «ب» را در مورد پرونده دیگری به کلاس ۶۰۰ که مورد نظر آقای «م» نبوده متهم قلمداد و او را به ۶ ماه حبس محکوم کرده اما علیرغم شکایت وی دایر بر افترا علیه «م» با وجود برائتش طبق دادنامه فوق‌الذکر؛ رئیس دادگاه ترجیح بلا مرجع نموده و مشتکی عنه را بر شاکی ترجیح داده و به شکایت شاکی ترتیب اثر نداده و برخلاف قسمت دوم ماده ۳ و ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی شاکی را تعقیب کیفری و محکوم نموده است.

۳- افترا از جمله جرائمی است که طبق ماده مذکور مستلزم شکایت شاکی خصوصی است به فرض که در انشای رسیدگی شکایتی هم مطرح شده باشد رئیس دادگاه راساً حق رسیدگی نداشته و مطابق ماده ۲۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری می‌بایست به رئیس حوزه قضائی اعلام و با ارجاع ایشان رسیدگی می‌نمود.

۴- رئیس دادگاه برخلاف دستور قسمت اخیر ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری بدون تعیین جلسه دادرسی و بدون احضار طرف دیگر پرونده و با احضار «ب» از زندان در وقت فوق‌العاده اتخاذ تصمیم نموده است.

۵- در جلسه فسوق‌العاده مورخ ۸۱/۱۲/۱۳ که تنها جلسه رسیدگی دادگاه بوده مقررات ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری رعایت نشده و در دادگاه مشخصات متهم سوال نشده و به طور صریح به او تفهیم اتهام نگردیده و دلایل شکایت هم تفهیم نشده است. دادگاه فقط به این جمله اکتفا نموده «شکایت شاکی به شما تفهیم می‌شود چه می‌گویید» متهم نیز در پاسخ صرفاً شکایت خود را مطرح کرده است.

۶- دادگاه در پایان جلسه آخرین دفاع متهم را نگرفته و از قسمت اخیر بند ۵ ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری تخلف کرده است.

۷- از جمله دلایل محکومیت متهم اقرار وی در دادگاه ذکر شده در حالی که وی اقراری نکرده است. بنا به مراتب آقای ... در صدور رای شماره ... تخلفات مذکوره را مرتکب شده و با توجه به سوابق محکومیت قبلی وی به استناد قسمت دوم ماده ۲۰ نظامنامه قابل تعقیب انتظامی است.

پس از ابلاغ کیفرخواست، لایحه دفاعیه نامبرده واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد گردید. اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و لایحه دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی مبنی بر (اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی...) با انجام

شور به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید:
رای دادگاه
تخلف قاضی امر از جهت عدم رسیدگی به قسمتی از شکایت شاکی پرونده امر و رسیدگی به شکایت متقابل متهم علیه شاکی موصوف بدون ارجاع آن و نیز صدور رای بدون اخذ آخرین دفاع که در قبال آنها دفاع موثری نکرده ثابت است.

بنا به مراتب آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران را با در نظر گرفتن سوابق محکومیت او به استناد قسمت دوم ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات به تنزل یک پایه قضائی محکوم می‌نماید. رای صادره ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در هیات تجدیدنظر انتظامی است. در سایر موارد تخلفی احراز نشد.

دادنامه شماره ۲۵۶ ۸۵/۶/۱۴ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «عدم نظارت قاضی بر امور دفتر دادگاه در خصوص تعیین وقت رسیدگی و... تخلف است.»

۳- با عنایت به معین بودن خواسته (سهم اجاره المثل ایام تصرف منزل) و توجه به دلیل استنادی خواهان (رای قطعی مبنی بر تعیین اجور، کمی سند مالکیت و سند اجاره) به فرض لزوم اخذ نظریه کارشناس، اقدام دادگاه در اخطار مکرر به خواهان برای تعیین میزان دقیق اجور و ابطال تمبر بر اساس آن که یک بار قبل از صدور قرار کارشناسی و بار دوم بعد از اظهارنظر کارشناس در تاریخ ۸۴/۷/۱۳ صورت پذیرفته برخلاف موازین قانونی بوده و اطلاع دادرسی است زیرا در این مورد به استناد بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت چون میزان خواسته (مجموع منافع) در موقع تقدیم دادخواست مشخص نباشد بعد از ابطال دو هزار ریال تمبر بقیه هزینه دادرسی بعد از تعیین خواسته و صدور حکم توسط دادگاه دریافت می‌شود ولی دادگاه در این پرونده حتی بعد از اخذ نظریه کارشناس علیرغم اینکه پرونده معد صدور رای می‌باشد از انشای رای خودداری و مجدداً اخطار رفع نقص از حیث ابطال تمبر نموده و اقدامی هم در این باره نکرده است بنابراین تخلف از قانون و تعلل در صدور رای متوجه قاضی موصوف است.

پس از ابلاغ کیفرخواست، لایحه دفاعیه قاضی امر واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد گردید. اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و لایحه دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی قضات مبنی بر (اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی...) با انجام شور به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید:

رای دادگاه
عدم نظارت قاضی امر بر امور دفتر دادگاه در خصوص تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ به موقع قرار تامین خواسته تخلف است و دفاع وی در این زمینه موثر تشخیص داده نشد.
بنا به مراتب آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران را با انطباق عملش بر ماده ۲ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت یک ماه محکوم می‌نماید. نسبت به دیگر ایراد به عمل آمده با عنایت به دفاع قاضی موصوف تخلفی احراز نگردید. رای صادره قطعی است.

دادنامه شماره ۲۳۱ ۸۵/۶/۱۳ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «دفاع قاضی مشتکی عنه... رد کیفرخواست انتظامی... نتیجه صدور رای برائت قاضی موصوف.»
موضوع رسیدگی: کیفرخواست شماره ... دادرسی انتظامی قضات مبنی بر اعلام تخلف آقای

گردشکار: دادستان انتظامی قضات طبق کیفرخواست شماره ... صادره در پرونده کلاس ... انتظامی بر اساس نظریه آقای ... دادیار که به تایید آقای ... معاون آن دادسرا رسیده، آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران را در رسیدگی به پرونده کلاس ... متخلف اعلام و به استناد مادتهای ۱۴ و ۲۰ نظامنامه مجازات او را تقاضا کرده است.

آقای ... دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پرونده چنین اظهار نظر کرده است: ۱- بعد از حلول وقت ۵ ماهه (۸۳/۹/۱۸) به علت تعطیلی، وقت رسیدگی ۶ ماهه تعیین شد در صورتی که به تجویز تبصره ذیل ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی می‌بایست حداکثر وقت دو ماهه تعیین می‌شد لذا عدم تذکر رئیس دادگاه به دفتر تخلف است.

۲- با توجه به مفاد ماده ۱۱۷ همین قانون که قرار تامین خواسته باید فوری به خواننده ابلاغ شود عمل رئیس دادگاه در تاخیر سه ماهه در ابلاغ قرار تامین مذکور تخلف از قانون است.

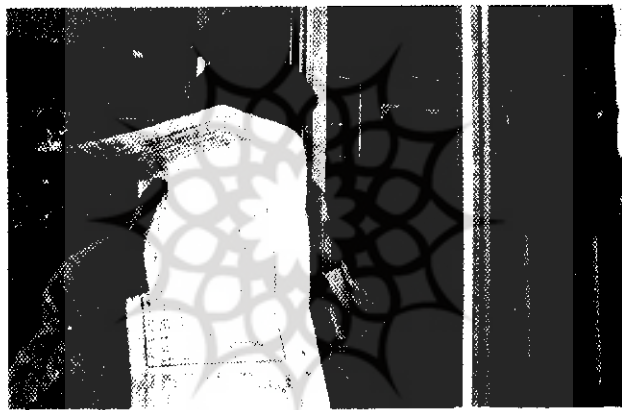
... مستشار وقت شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران

جریان امر: آقای ... دادیار انتظامی در خصوص شکوایتی انتظامی آقای «ن» از نحوه رسیدگی به پرونده کلاسه ... شعبه ... دادگاه عمومی اسلامشهر پس از مطالبه و ملاحظه پرونده امر حاصل آن را چنین گزارش نموده است خواهان در تاریخ ۸۲/۱۱/۶ به طرفیت دو نفر خواننده دادخواست تقدیم داشته و تقاضای صدور حکم بر محکومیت خواندگان به پرداخت اجرت المثل ایام تصرف دو باب مغازه و ضرر و زیان وارده و هزینه دادرسی را نموده است ظاهراً پرونده به شعبه ... دادگاه عمومی اسلامشهر ارجاع می گردد. دادگاه پس از تعیین وقت رسیدگی ۸۲/۲/۲۴ دعوت از طرفین و استماع اظهارات آنان با استعراق کارشناس و با تعیین دستمزد انتخاب و مقرر می دارد کارشناس با بازدید از محل ملک و مغازه های همجوار اجرت المثل آن را تعیین نظریه خود را کتبا به دادگاه اعلام دارد در تاریخ ۸۲/۲/۲۹ کارشناس نظر خود را به دادگاه اعلام و

اجرت المثل شش ماهه را چهل و پنج میلیون ریال تعیین نموده است و نظریه کارشناس را به طرفین ابلاغ نموده که خوانده ردیف یک به نظریه کارشناس اعتراض می نماید دادگاه در جلسه فوق العاده هیات کارشناسی تعیین دستور می دهد خواننده معترض دستمزد هیات را تودیع نماید که خواننده در وقت مقرر هزینه را تودیع ننموده است و ... دادگاه در چندین بار جلسه رسیدگی تعیین و طرفین را دعوت مطالب آنان را استماع در صورت مجلس منعکس و در پایان تصمیم دادگاه رئیس دادگاه مرقوم داشته دفتر خواهان

نسبت به ابطال تمبر بر اساس نظریه کارشناسی و ارائه مدارک مالکیت عین و یا منافع جهت رفع نقص دعوت شود و در تاریخ ۸۲/۸/۲۶ دادگاه بدون رفع نقص نسبت به ابطال تمبر قانونی مبادرت به صدور رای می نماید یا احراز مالکیت خواهان بر منافع محل ملک مورد دعوی تقاضای اجرت المثل وی را رد کرده و حکم بر محکومیت خواندگان به پرداخت اجاره بها از قرار ماهی یکصد و پنجاه هزار تومان از زمان طرح تشکیل پرونده کیفری تا انقضای مهلت یک ساله مقرر در ماده ۵۰۱ قانون مدنی و یک میلیون ریال خسارت وارده به اموال خواهان و پرداخت هزینه دادرسی صادر می نماید دادنامه فوق مورد اعتراض قرار می گیرد و شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران ضمن تأیید یک قسمت از رای بلوی قسمت بعدی که راجع به اجاره بها می باشد به استناد ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و اینکه ارزش خواسته آن از سه میلیون ریال متجاوز نباشد حکم به رد این قسمت صادر می نماید بالاخره با تجدیدنظرخواهی فوق العاده

از رای مرقوم شعبه ... تشخیص دیوانعالی کشور با تلقی حکم به قرار آراء تجدیدنظر خواسته بلوی و تجدیدنظری در قسمت رد دعوی نقض پرونده را جهت رسیدگی به خواسته مطالبه اجرت المثل به دادگاه بلوی ارجاع می دهد و راجع به محکومیت به پرداخت اجاره بها این قسمت را خارج از خواسته خواهان دانسته به استناد ماده ۴۰۳ قانون مرقوم دادنامه های معترض عنه نقض بلاارجاع می شود. شعبه ... کیفری در تاریخ ۸۴/۸/۷ تعیین وقت نموده بدون حضور طرفین تشکیل جلسه نموده اظهارات خواننده را اخذ می نماید در تاریخ ۸۴/۸/۸ مبادرت به صدور رای می نماید و حکم به بی حقی خواهان در مطالبه اجرت المثل صادر می کند و در تاریخ ۸۴/۸/۸ خواهان با تقدیم دادخواست تجدیدنظرخواهی از دادنامه صادره تقاضای تجدیدنظرخواهی می نماید و ... آقای دادیار در پایان گزارش برای قضات امر ۱- ... رئیس سابق شعبه ... دادگستری اسلامشهر ۲- ... رئیس سابق شعبه ... اسلامشهر و معاون فعلی دادستان ۳-



از پرونده در خصوص ابطال تمبر قانونی با عنایت به اینکه طبق نظر کارشناس رسمی میزان خواسته اجرت المثل چهل و پنج میلیون ریال تعیین شده بود تخلف نموده اند و ... به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه انواع تقصیرات انتظامی قضات به تعقیب انتظامی مشارالیه اظهار عقیده می گردد و ... سرانجام با نظریه فوق موافقت شده به شرح کیفرخواست انتظامی شماره بالا و به استناد ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات تقاضای مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه انتظامی آقای ... شده است و نسبت به مابقی قرار تعلیق تعقیب انتظامی با موافقت آقای دادستان انتظامی صادر می شود.

پس از ابلاغ کیفرخواست از ناحیه ایشان لایحه دفاعیه واصل شده که هنگام شور قرائت می شود. اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش امر و لایحه دفاعیه با کسب عقیده معاون محترم دادرسی انتظامی قضات مبنی بر اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی مشاوره نموده به شرح آتی رای صادر می نماید.

رای دادگاه

با عنایت به دفاع قاضی مشتکی عنه انتظامی اجمالاً مبنی بر اینکه «خواهان بپاه و ارزش خواسته دعوی خویش را یک میلیون ریال مقوم نموده که این ارزش ملاک و بهای خواسته از نقطه نظر نادیه هزینه دادرسی امکان تجدیدنظرخواهی محسوب می گردد و مورد اختلاف اصحاب دعوی هم نبوده است» ایراد دادرسی انتظامی قضات به کیفیت مطروحه وارد به نظر نمی رسد. بنا به مراتب ضمن رد کیفرخواست انتظامی شماره ... رای بر پرائت آقای ... مستشار سابق (رئیس فعلی شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران) صادر و اعلام می گردد.

... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی جزائی اسلامشهر و ۴ و ۵ و ۶- ... و ... مستشاران ... رئیس شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران در رسیدگی به پرونده مطروحه تخلفاتی را به صورت جداگانه احصاء و مورد اشاره قرار می دهد انبهایه به غیر از آقای ... مستشار شعبه ... که بازنشسته شده پرونده را نسبت به وی بایگانی می نماید و برای مابقی قضات یاد شده غیر از آقای ... مستشار شعبه ... دادگاه تجدیدنظر برای مابقی قضات پیشنهاد تعلیق تعقیب انتظامی می نماید که مورد موافقت آقای دادستان انتظامی قضات واقع می گردد. آقای دادیار انتظامی تخلف قضات دادگاه تجدیدنظر را که منتفی به صدور کیفرخواست درباره آقای ... مستشار وقت شعبه ... دادگاه تجدیدنظر شده به شرح زیر اعلام می نماید: «آقایان ... رئیس شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران و ... و ... مستشاران شعبه از مفاد ماده ۳۵۰ و بند ۳ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی در صدور دادنامه تجدیدنظرخواهی شماره ... به دلیل عدم رفع نقص

دادنامه شماره ۲۰۴ ۸۵/۵/۲۹ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «عدم ارائه اصل مدارک جهت برابر با اصل نمودن از موارد صدور قرار رد دفتر نیست».

خلاصه جریان پرونده: گزارش مورخه ۱۳۸۴/۸/۴ دادیار محترم دادرسی انتظامی قضات جناب آقای ... حاکمیت: پرونده مربوط به دعوی اقامه شده از جانب آقای «ع ن» مدیرعامل شرکت ... ایران (شاکای انتظامی) به طرفیت آقای «س د» به خواسته الزام خواننده به تنظیم سند انتقال صلح به شعبه ... دادگاه عمومی تهران تحت ریاست آقای ... (قاضی شعبه) مذکور ارجاع گردیده. مدیر دفتر بیکاره از جهت کسر تمبر دادرسی اقدام به رفع نقص نموده که خواهان اقدام به رفع کرده است.

مجددا آقای مدیر دفتر به خواهان جهت ارائه اصل مدارک و مستندات به منظور برابر با اصل کردن مستندات اقدام به اخطاری نمیاید. با قید در اخطاریه عدم اقدام موجب صدور قرار رد دعوا خواهد بود. نماینده قضائی خواهان در تاریخ ۸۲/۷/۲۸ طی لایحه ای اعلام می نماید که مدارک مورد استناد شامل محتویات پرونده کلاسه ... شعبه ... دادگاه عمومی تهران و محتویات پرونده کلاسه ... اجرای احکام مجتمع قضائی صادقیه می باشند معذک آقای مدیر دفتر اقدام به صدور قرار رد دادخواست نموده که مدیر حقوقی شرکت خواهان به قرار صادره مدیر دفتر اعتراض کرده که شعبه ... دادگاه عمومی تهران طی دادنامه شماره ... با اصلاح ماده استنادی در قرار دفتر به ماده ۵۴ از قانون آ.د.م قرار معترض عنه را عینا تایید نموده است. در حالی که وفق ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب در امور مدنی مدیر دفتر دادگاه موظف بوده که نقایص دادخواست را به خواهان اطلاع دهد نه اینکه در مانحن فیه یک بار اخطار رفع نقص جهت ابطال تمیز دادرسی و در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲۵ نیز جهت ارائه اصول و مدارک و مستندات به خواهان اخطار گردد. از آنجایی که نماینده حقوقی خواهان در مهلت قانونی وفق لایحه مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۸ اعلام به وجود اصول مستندات در پرونده کلاسه ... دادگاه عمومی تهران (شعبه ... فعلی) و ... نموده و آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران بدون توجه به اینکه قانونگذار موارد رد دادخواست از ناحیه دفتر را به شرح مواد ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی انقلاب در امور مدنی تعیین نموده در حالی که پرونده مزبور قرار رد به لحاظ عدم ارائه اصول مدارک جهت برابر اصل کردن صادر گردیده که به لحاظ مواد فوق الذکر و نیز ماده ۹۶ قانون مزبور که می گوید: «خواهان باید اصل اسنادی که رونوشت آنها را ضمیمه دادخواست کرده در جلسه دادرسی حاضر نماید. ...» فاقد وجهت قانونی بوده است، نسبت به تایید قرار مزبور اقدام نموده است.

با احراز ارتکاب تخلف انتظامی نامبرده در حد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به انواع تقصیرات انتظامی قضات مصوب ۱۳۰۴/۱۲/۱۳ تعقیب انتظامی اظهار نظر نموده است و به شرح نظریه مورخه ۱۳۸۴/۸/۱ معاون محترم دادرسی انتظامی قضات با نظریه ابرازی جناب آقای ... موافقت نموده است و دادستان محترم دادرسی انتظامی قضات به شرح کیفرخواست شماره ... برای قاضی مشتکی عنه تقاضای کیفر نموده است پس از ارسال پرونده به دادگاه انتظامی و ارجاع به شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات کیفرخواست به آقای ... ابلاغ مشارالیه لایحه دفاعی شماره ... را تقدیم داشته که مورد مطالعه واقع پیوست پرونده است.

هیات شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به

ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش و لایحه دفاعی و کسب عقیده نماینده محترم دادرسی انتظامی قضات اجمالاً مبنی بر «اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی» مشاوره نموده چنین رای صادر می شود:

رای دادگاه

در خصوص کیفرخواست شماره ... دادرسی انتظامی قضات موضوع تخلف انتظامی آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران در رسیدگی به پرونده کلاسه ... که دادگاه با مذاقه در محتویات پرونده تکلیف مدیر دفتر در جهت اعمال ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی و رفع نقص در ماده ۵۳ قانون مارالذکر مصرح است و مورد ماده ۵۷ قانون یاد شده از مصادیق ماده ۵۳ بیان نگردیده است. از طرفی به شرح گزارش دادرسی انتظامی قضات نماینده حقوقی خواهان در پاسخ به اخطاریه مدیر دفتر دادگاه به شرح لایحه شماره ۱۳۸۲/۷/۲۸ مستندات دعوی را محتویات پرونده کلاسه ... شعبه ... دادگاه عمومی تهران و محتویات پرونده کلاسه ... اجرای احکام مجتمع قضائی صادقیه اعلام داشته است که با این ترتیب نیازی به صدور قرار رد دادخواست مدیر دفتر و در نتیجه تایید آن به وسیله قاضی مشتکی عنه نبوده است و شایسته بوده ریاست محترم دادگاه با نقض قرار رد دادخواست دستور جری دادخواست و ضمانت را در صورت تکمیل بودن پرونده از جهات دیگر صادر می نمود به هر تقدیر عدم رعایت مقررات آیین دادرسی مدنی به شرحی که در کیفرخواست انتظامی آمده محرز است دادگاه به استناد ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آنها آقای ... را به توبیخ کتبی با درج برگ خدمت محکوم می نماید رای صادره قطعی است.

دادنامه شماره ۳۲۶ - ۸۵/۸/۱ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «رد کیفرخواست انتظامی و صدور رای بر براءت قاضی مشتکی عنه».

گردشکار: دادستان انتظامی قضات طبق کیفرخواست شماره ... صادره در پرونده کلاسه ... انتظامی بر اساس نظریه آقای ... دادیار که به تایید آقای ... معاون آن دادسرا رسیده، آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران را در رسیدگی به پرونده کلاسه ... متخلف اعلام و به استناد صدر ماده ۲۰ با رعایت ماده ۲۵ نظامنامه مجازات انتظامی او را تقاضا دارد.

آقای ... دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پرونده چنین اظهار نظر کرده است: ۱- تجدید جلسه ۸۲/۱۲/۶ با این عبارت «با توجه به وصول پاسخ کتبی وقت رسیدگی تعیین و طرفین جهت اخذ توضیح در مورد مالکیت خواننده دعوت به حضور شونده» نظر به اینکه در جلسه اول دادرسی اظهارات طرفین استماع و با توجه به فتوکپی مصدق سند مالکیت ارائه شده توسط خواهان های دعوی تقابل و پاسخ اداره ثبت، تجدیلوقت برای اخذ توضیح و جهات قانونی نداشته و چون به موجب ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی

مدنی دادگاه مکلف بوده به جهات قانونی تجدید جلسه نماید. رئیس دادگاه برخلاف ماده مرقوم بدون جهت قانونی وقت دادرسی را تجدید کرده است.

۲- صدور حکم بر ابطال و بی اعتباری بیع نامه عادی مورخه ۸۱/۳/۲۸ و صدور حکم بر رد دعوی الزام به تنظیم سند رسمی و تحویل مبیع برخلاف قانون است. با عنایت به پاسخ نامه سازمان پزشکی قانونی تحت عنوان اداره سرپرستی دادگستری که اعلام داشته «ح نه» در حال حاضر جنون یا اختلال حواس ندارد و این گواهی دلالتی بر سفه مشارالیه ندارد. از سوی دیگر برای نامبرده در اجرای ماده ۵۷ قانون امور حسبی حکم حجر صادر نشده تا حجر وی باعث ابطال معامله گردد. چون رئیس دادگاه برخلاف ماده فوق الذکر و صدر ماده ۷۰ قانون امور حسبی و ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی حکم به ابطال معامله به استناد گواهی پزشکی قانونی مذکور صادر کرده مرتکب تخلف از مقررات قانونی شده مضافاً اینکه بر فرض ثبوت حجر آقای «ح ن» صدور حکم به ابطال معامله خانم «ب م» نسبت به دو دانگ از خانه مورد فروش برخلاف قانون است.

۳- صدور حکم به محکومیت خواننده دعوی تقابل به پرداخت حق الوکاله برخلاف قانون است. با عنایت به اینکه خواهان های دعوی تقابل شخصاً اقامه دعوی کرده اند و وکیل مدافع و خواهان های مذکور در جلسه اول دادرسی مطالبه حق الوکاله نموده اند صدور حکم برخلاف ماده ۵۱۹ قانون آیین داری مدنی صورت گرفته مضافاً اینکه صدور حکم به حق الوکاله وکیل بدون درج میزان آن، حکم کلی تلقی می شود که به استناد ماده ۴ همین قانون قاضی نسبت به صدور حکم کلی ممنوع است.

پس از ابلاغ کیفرخواست، لایحه دفاعیه قاضی امر واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد گردید. اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و لایحه دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دائر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه مورد تقاضاست) با انجام شور به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید:

رای دادگاه

با عنایت به مدافعات قاضی امر دایر بر اینکه «پاسخ اداره ثبت اشتباه بوده و پس از اخذ توضیح از طرفین مجدداً استعلام شده و تجدید جلسه موجه بوده و حسب گواهی پزشکی قانونی فروشنده ملک در زمان معامله اهلیت نداشته و همسر وی نیز علاوه بر غبن، اجبار توسط همسرش را مطرح نموده و هزینه های دادرسی و حق الوکاله در ذیل دادخواست تقابل درخواست شده که ضمیمه است» ایراد به عملکرد مشارالیه به کیفیت مذکور در گزارش مبنای کیفرخواست وارد تشخیص داده نشد.

بنا به مراتب ضمن رد کیفرخواست انتظامی شماره ... رای بر براءت آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران صادر و اعلام می نماید.